

## الله بت دیروز خدای امروز

کعبه مکان مقدسی بود که پیش از اسلام بت های گوناگونی در آن نگهداری می شد. الله یکی از بت هایی بود که در کنار بت های دیگر که مدینه بودند پرستیده می شد. حرم مکه همانند خانه دیگر خدایان مردم سامی، به صورت مکعب ساخته شده بود از این رو بود که به آن کعبه می گفتند. کعبه لغتی عربی به معنی چهار گوش است. بعضی می گویند لغت کعبه به معنی خانه است و از یک لغت حبشی که به معنی خانه دو طبقه است گرفته شده است اما به نظر نمی رسد که این تعبیر درست باشد. و آنچه از ظاهر کلمه عربی پیداست کعبه به معنی چهار گوش می باشد.

بتها یا درون خود کعبه بودند یا در فضای باز بیرون کعبه. در بعضی از محافل باور بر این بود که شکل چهار گوش کعبه تقلیدی از شکل چهار گوش چادر عربهاست. تاریخ ساخت کعبه به قرن دوم پس از میلاد برمی گردد. بنابراین بر خلاف آنچه در قرآن و تفاسیر مسلمانان گفته شده است این بنا نمی تواند توسط ابراهیم ساخته شده باشد. در کتاب عهد عتیق هیچ اشاره ای به سفر رئیس خانواده به عربستان نشده است و از همه مهمتر هیچ سند تاریخی و باستانی در دست نیست که این بنا پیش از قرن اول میلادی وجود داشته باشد. اگر ابراهیم در حقیقت وجود داشته است در حدود سال ۱۸۰۰ پیش از میلاد میزیسته است. این داستان آشکارا توسط محمد ساخته شده است تا توسط آن بتواند نظر یهودیان مکه را نسبت به خود جلب کند.

عرب های بیابانگرد؛ پیش از اسلام سنگهای صاف و مکعب شکل را محترم می شمردند و آنگونه سنگها را به عنوان محل زندگی خدا تکریم می کردند. مردم چادر نشین عرب که چادر آنها مکعبی شکل بود با خود می اندیشیدند که خانه خدا شبیه خانه خودشان اما از جنس سنگ است.

در میان جاهایی که در عربستان مقدس شمرده می شد کعبه از همه مهمتر بود چون سنگ سیاه را در خود جای داده بود. عرب های پیش از اسلام معتقد بودند که این سنگ توسط خدایان آسمانی برای عبادت به آنها داده شده است.

به احتمال زیاد جنس این سنگ از گدازه های آتشفشانی یا بازالت است. اما ماهیت واقعی آن به راحتی قابل شناسایی نیست. چون زانران در طول سالیان سال از زمانی که در این بنا کار گذاشته شده است، آن را بسیار لمس کرده و از سر شوق و شغف بوسیده اند. ممکن است یک شهاب سنگ باشد. اسلام سنت سنگ پرستی عرب پیش از اسلام را به وسیله قرار دادن مراسم حج به عنوان پنجمین ستون دین ادامه داد.

هر ساله میلیونها مسلمان به مکه آمده تا سنگ سیاه را که در گوشه شرقی بنا هست تکریم کنند.

بطلمیوس ستاره شناس و جغرافی دان بزرگ که در اسکندریه در سال ۱۳۰ میلادی متولد شد از مکه تحت عنوان مکورابا نام برده است.

از آنچه در کتابهای تذکره نویسان اولیه اسلامی آشکار است قصی یکی از اجداد محمد، عبادت کعبه را در بین مردم خود رواج داد. او دو پسر به نامهای عبدالمناف (بنده مناف) و عبدالدار (بنده کعبه) داشت که آنها را به عنوان ناظر این آیین برگماشت. هر کدام از بت هایی که در کعبه نگه داشته می شد به قبیله ای خاص تعلق داشت. مردم هر قبیله هر سال به مکه می آمدند تا بیعت خود را با خدای خود تجدید کنند. به طور سنتی این مراسم در آخرین ماه از تقویم عربی که ذی الحجه نامیده می شد برگزار می شد. به احتمال زیاد لغت حج بر گرفته از واژه عبری HUG به معنی گردش در اطراف، گرفته شده است. چادر نشینان اولیه عرب هر وقت که برای زیارت حرم می آمدند به منظور ستایش کعبه اطراف کعبه می چرخیدند به این عمل طواف می گفتند.

مطابق سنت قدیم اعراب، یک ماه پیش از مراسم زیارت کعبه و یک ماه پس از آن، مردم عربستان عداوت و دشمنی نسبت به یکدیگر را کنار می گذاشتند و دست از جنگ می کشیدند. در طول این ماه های مقدس نباید خونی ریخته می شد. علت تعطیل جنگ و خونریزی به این دلیل بود که می خواستند مکه را برای زانران که برای انجام مراسم می آمدند، به محیطی امن تبدیل کنند. در طول این چند ماه اجازه دزدی یا درست کردن کمینگاه یا انتقام گیری خانوادگی به کسی داده نمی شد.

به محدوده کعبه به طور تحت الفظی حرم گفته می‌شد. به این دلیل تمام مکه نیز به عنوان حرم مقدس شمرده می‌شد. بعدها واژه حرم به زنان کاخ که بیش از یک نفر بودند اطلاق شد. حرم به معنی جایگاه خصوصی است که هیچ خاخی حق ورود به آن مکان را ندارد و تنها به زنان اختصاص دارد.

در ماه حج هر زائر همراه خود هدایای را برای تقدیم به خدای خود می‌آورد و برای خشنودی خدای خود حیوانی را برای او قربانی می‌کرد. در هنگام اجرای مراسم، مریدان ابتدا پیرامون کعبه می‌گشتند سپس در فاصله بین دو تپه ای که صفا و مروه نامیده می‌شد و به باور آنها محل زندگی یک خدای مدینه و یک خدای نرینه بود، شروع به دویدن می‌کردند.

یکی دیگر از مراسمی که در این فستیوال انجام می‌شد مراسم محرم شدن بود. زائر در این مراسم باید از هتک حرمت کردن، کفر گوئی و آمیزش جنسی خود داری کند زیرا انجام این مراسم در حضور خدایان ممنوع بود. قبایل گوناگون عرب در این مراسم شرکت می‌کردند چون این ماهها تنها زمانی بود که عرب دست از جنگ و ستیزه جویی بر می‌داشت و حمل سلاح ممنوع بود.

همه این مراسم عهد جاهلیت در اسلام امروزی ادامه یافت. هر ساله میلیونها مسلمان از سرتاسر دنیا در طول ماه ذی الحجه به مکه آمده و مراسمی را انجام می‌دهند که قرن‌ها پیش از اسلام در عربستان رایج بوده است.

در این مراسم لباس سفید بلندی می‌پوشند و اطراف کعبه می‌گردند و سر حیوانات را می‌برند و از آمیزش جنسی پرهیز می‌کنند و از گفتار اهانت آمیز پرهیز می‌کنند و بین صفا و مروه میدوند و به جایگاهی که بت پرستان قدیم فکر می‌کردند خانه شیطان است، سنگ می‌زنند.

در حقیقت مراسمی که در حال حاضر پیروان محمد هر ساله انجام می‌دهند با آنچه بت پرستان در سالها پیش از اسلام انجام میدادند، تفاوتی ندارد تنها نام آن تغییر پیدا کرده است. و گروه کافران به گروه مسلمانان تبدیل شده اند. آنچه محمد انجام داد، ادامه سنتهای اجداد خود بود که آنها را به قانونهای مقدس تبدیل کرد و نام اسلام بر آنها گذاشت.

تنها فرق این مراسم با مراسم گذشته، این است که در گذشته هر کسی مجاز بود برای انجام این مراسم به مکه برود. بی خدایان، چند خدایان و یکتا پرستان همه در این مراسم شرکت می‌کردند اما امروزه تنها مسلمانان مجازند به حرم کعبه وارد شوند و الله خدای خصوصی دنیای محمد خدای همه کلانها شد.

پیش از اسلام هر قبیله ای خدای مخصوص خود را داشت. اما وقتی برای زیارت به مکه می‌آمدند خدای دیگران را نیز پرستش می‌کردند یا حد اقل به آن خدایانی که معروف بودند احترام می‌گذاشتند. در زمانی که قبیله ها در حالت صلح به سر می‌بردند، آنهايي که "لات" را می‌پرستیدند الله خدای بزرگ را نیز ستایش می‌کردند. آنهايي که برای "عزی" احترام قائل بودند "منات" را نیز تکریم می‌کردند و ارتباط بین خدایان یک ارتباط دوستانه بود. اما در زمانیکه بین قبایل اختلاف می‌افتاد هر قبیله فقط خدای خود را عبادت می‌کرد و به خدایان قبایل دیگر کاری نداشت.

همانطور که قبلا ذکر شد جد محمد فرزندان خود را با نام خدایان نامگذاری کرد. وقتی که محمد شروع به تبلیغ دین خود کرد افراد قریش که از قبیله او بودند با او به مخالفت برخاستند زیرا او می‌خواست خدای خود، الله را به همه خدایان ارجحیت دهد. وقتی او مخالفت شدید مردم قریش را دید یک قدم عقب نشینی کرد و سعی کرد دشمنانش را با پذیرش بت‌های آنان در کنار بت بزرگ، الله، آرام کند.

به این دلیل است که تذکره نویسان مسلمانان اولیه گفته اند که محمد بت های قبیله را مخصوصاً سه بت بزرگ لات و منات و عزی را که اعراب فکر می‌کردند دختران الله هستند، تکریم کرد. اما وقتی که دشمنی بین او و دیگر افراد قبیله ادامه یافت، او نظرش را تغییر داد و الله را که خدای پدرش، عبدالله بود، برتر از همه بت‌ها شمرد. پس از آن او از هر فرصتی استفاده کرد تا الله را بر بت‌های دیگر برتری دهد. او مرتب می‌گفت که خدایی جز الله وجود ندارد. یکی از آخرین سوره های قرآن که توحید نامیده می‌شود می‌گوید:

بگو الله یکی است. بی نیاز از همه است نه زاده می‌شود و نه می‌زاید و مثل و مانندی ندارد.

نکته مهم در این سوره این است که بر این حقیقت که الله تنها خداست تاکید می‌ورزد و در ادامه می‌گوید که خدا دارای فرزندی نیست. در غیر این صورت آنهايي که معتقد بودند لات و منات عزی دختران الله هستند، خود را هم ردیف

مسلمانان می دانستند. از آنجایی که هیچ خدایی با الله قابل مقایسه نیست. خدایان دیگر کافران نمی توانند در ردیف الله بایستند.

ترجمه صفحه ۲۰ تا ۲۶ کتاب women and the Koran نوشته انور حکمت  
ترجمه ایراندخت

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>  
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>

